

## معیارهای حقوقی انقطاع رابطه مالکیت و کنترل جهت خروج از فهرست تحریم‌های آمریکا: مطالعه موردی رویه اوفک

سیدمحمدحسن رضوی\*      محمدرضا سالاری\*\*

### چکیده

معیارهای حقوقی اعمال تحریم‌های شخصی بر شرکت‌ها و اشخاص توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا و اداره اوفک و همچنین خروج از فهرست‌های تحریمی توسط این اداره، به دلیل نبود رویه و رفتار مشخص و قابل مطالعه، کمتر موضوع پژوهش قرار گرفته است. پرونده خروج شرکت‌های «ای ان پلاس»، «روسال» و «یورو سب انرگو» از فهرست اس دی ان آمریکا که به دلیل مالکیت و همچنین کنترل مستقیم و غیرمستقیم توسط اولگ دریپاسکا تحریم شده بودند، به دلیل انتشار رسمی تعهدهای شرکت‌ها برای خروج از تحریم، رویه بسیار مهم و قابل مطالعه‌ای در خصوص رویکرد اوفک آمریکا به درخواست‌های لغو تحریم ایجاد کرده است. الزام‌های حقوقی مطالبه‌شده توسط اوفک جهت خروج از فهرست تحریمی را می‌توان ذیل سه معیار مالکیت، کنترل و شفافیت در اداره شرکت گنجانده. این مقاله با مطالعه موردی پرونده خروج شرکت‌های فوق‌الذکر از فهرست تحریم‌ها و همچنین اسناد و قواعد تحریمی وزارت خزانه‌داری و اوفک، شاخص‌ها و معیارهای اعمال و لغو تحریم را از نگاه وزارت خزانه‌داری و اداره اوفک آمریکا مطالعه و تبیین می‌کند. تحلیل و بررسی معیارهای فوق‌الذکر برای شرکت‌های ایرانی فعال در عرصه بین‌المللی نیز واجد اهمیت خواهد بود، زیرا با درک عمیق و به کار بستن معیارها در نحوه شرکت‌داری نخست، خطر تحریم شدن توسط نهادهای آمریکایی کاهش

---

\* استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
hassan.razavi@ut.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
mohsalarii@gmail.com

می‌یابد و دوم، می‌توان در صورت وقوع تحریم با ایجاد تغییرهای ساختاری امکان خروج از فهرست تحریم‌ها را قوت بخشید.

**واژگان کلیدی:** شفافیت در اداره شرکت، فهرست اتباع ویژه مشخص شده و اشخاص مسدود شده (اس دی ان)، معیار کنترل، معیار مالکیت، موافقت‌نامه سهامداران.

### سرآغاز

تحریم‌های شخصی<sup>۱</sup>، مجموعه‌ای از اقدام‌های تنبیهی است که اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با رفتار متخلفانه ادعایی را هدف قرار داده و نظام محدودکننده‌ای بر تعامل و معامله با این افراد اعمال می‌کند. در این نوع از تحریم‌ها که گاه از آن‌ها به تحریم‌های هدف‌دار<sup>۲</sup> نیز یاد می‌شود، افراد، گروه‌ها و شرکت‌ها فارغ از اینکه در کدام حوزه، صنعت و یا بخش فعالیت می‌کنند، با به کار بردن معیارهایی تحت الشمول تحریم قرار می‌گیرند. نظام تحریم‌های شخصی ایالات متحده آمریکا از پیچیدگی بیشتری نسبت به تحریم‌های سایر کشورها و سازمان‌ها مانند اتحادیه اروپایی برخوردار است. این پیچیدگی بیشتر، به دلیل برنامه‌های متعدد تحریمی است که قوه مجریه و یا قوه قانون‌گذاری این کشور ایجاد کرده‌اند که به موجب هر برنامه، فهرستی مجزا از اشخاص تحریمی یا برچسب تحریمی جداگانه‌ای ایجاد شده است. هر یک از این فهرست‌های ایجادشده، تابع نظام حقوقی جداگانه‌ای است که دستور اجرایی یا قانون ایجادکننده آن فهرست در نظر گرفته است. در نظام تحریمی ایالات متحده آمریکا، به طور کلی ۱۱ فهرست تحریمی وجود دارد. سه فهرست توسط وزارت تجارت<sup>۳</sup>، دو فهرست توسط وزارت امور خارجه<sup>۴</sup> و شش فهرست توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا<sup>۵</sup> اداره می‌شود. فهرست «اتباع ویژه

1. Sanctions on Individuals/ Entities

2. Targeted Sanctions

3. Denied Persons List, Unverified List, Red Flag

4. Nonproliferation List, AECA Debarred List

5. Specially Designated Nationals (SDN List), Foreign Sanctions Evaders List, List of Foreign Financial Institutions Subject to Correspondent Account or Payable-Through Account Sanctions (CAPTA List), Sectoral Sanctions Identifications (SSI) List, Palestinian Legislative Council (PLC) List, Consolidated Sanctions List

مشخص شده و اشخاص مسدود شده» (فهرست اس‌دی‌ان)<sup>۱</sup> مهم‌ترین فهرست اشخاص تحریم شده توسط دولت آمریکا بوده که در میان مؤسسات مالی و شرکت‌های بین‌المللی بزرگ، به‌عنوان اصلی‌ترین فهرست تحریمی در میان فهرست‌های تحریمی این کشور در نظر گرفته می‌شود، زیرا هرگونه معامله با اشخاص قرارگرفته در این فهرست برای اشخاص حقیقی و حقوقی آمریکایی ممنوع بوده و آنان می‌بایست هر دارایی یا مالی را که این اشخاص فهرست شده در آن منفعتی دارند و در تصرف و یا در کنترل آنان درآید مسدود کنند. همچنین اشخاص قرارگرفته در این فهرست امکان ورود به خاک ایالات متحده را نیز ندارند (روحانی و نمازی، ۱۳۹۶: ۷۴-۷۵). اهمیت شگرف فهرست اس‌دی‌ان غالباً به این دلیل است که کشور آمریکا به‌واسطه تسلط جهانی دلار نسبت به سایر ارزها، در عرصه بانکداری، بیمه و حمل‌ونقل از یک انحصار نسبی برخوردار است و در چنین شرایطی ممنوعیت اشخاص آمریکایی از انجام معاملات با شرکت‌ها و مؤسسات تحریم شده دسترسی به بازار آمریکا را غیرممکن کرده و اثر منفی شدیدی بر جریان تجارت آن‌ها می‌گذارد (Razavi, Zeynodini, 2020: 319). همچنین به‌عنوان یکی دیگر از اثرات مخرب قرار گرفتن در فهرست اس‌دی‌ان، باید به یاد داشت که فعالیت در عرصه تجارت بین‌الملل بدون بهره‌مندی از خدماتی نظیر نقل‌وانتقال پول، دسترسی به ضمانت‌نامه‌ها و اعتبارات اسنادی ممکن نیست و زمانی که بانک‌های آمریکایی به‌عنوان متولیان اصلی دلار آمریکا، امکان ارائه خدمات به شخص تحریم شده را نداشته باشند، فرآیند تجارت اشخاص مذکور به شدت دچار اختلال خواهد شد (علوی، ۱۳۹۳: ۱۷۹).

این فهرست به طور کلی شامل شرکت‌های فعال کشورهای تحریم شده، نهادهای مرتبط با گروه‌های تحریم شده و همچنین شرکت‌های پوششی و شرکت‌های تحت کنترل آنان است. هر یک از اشخاص و نهادهایی که در این فهرست قرار گیرند، به موجب یکی از برنامه‌های مختلف تحریمی که توسط دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی وزارت خزانه‌داری

1. Specially Designated Nationals (SDN List)

ایالات متحده آمریکا (اوفک)<sup>۱</sup> اداره می‌شود تحریم شده‌اند. این برنامه‌های تحریمی به‌طور کلی ذیل یکی از چهار قانون زیر ایجاد شده و توسط اوفک مدیریت می‌شوند:

الف. قانون تجارت با دشمن<sup>۲</sup> ۱۹۱۷؛

ب. قانون اختیارات اقتصادی در شرایط اضطراری بین‌المللی<sup>۳</sup> ۱۹۷۷؛

پ. قانون مبارزه با تروریسم و مجازات مرگ مؤثر<sup>۴</sup> ۱۹۹۶؛

ت. قانون تحریم کارتل‌های خارجی مواد مخدر<sup>۵</sup> ۱۹۹۹.

عدم اطلاع‌رسانی دقیق دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا در خصوص معیارهای حقوقی اثرگذار در اعمال تحریم‌های ایالات متحده، دلیل دیگری است که شناسایی دقیق آن‌ها و سپس بحث و بررسی در خصوص چگونگی خروج از تحریم را به امری نسبتاً مشکل و چالش‌برانگیز تبدیل می‌کند. در خصوص چرایی شناسایی رویه اوفک باید به این نکته توجه داشت که اساساً یکی از مأموریت‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا، تقویت امنیت ملی از طریق نبرد با تهدیدات و حفاظت از یکپارچگی سیستم اقتصادی و مدیریت مؤثر پول و منابع است. در همین راستا، دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی به‌عنوان نهاد زیرمجموعه وزارت خزانه‌داری، مسئولیت اصلی رصد و بررسی عملکرد بهینه تحریم‌ها علیه کشورهای هدف را به عهده دارد (علوی و امیری، ۱۳۹۵: ۷۴). در نتیجه تحلیل تمامی اسناد، آیین‌نامه‌ها و رویه‌های این نهاد برای کشورهای درگیر با تحریم حیاتی تلقی می‌شود. لازم به توضیح است که معیارهای حقوقی بررسی‌شده در این مقاله صرفاً دربرگیرنده روش خاصی برای خروج از تحریم‌های آمریکا تحت عنوان فرآیند اداری است. توضیح آنکه روش‌های خروج از فهرست اتباع ویژه مشخص‌شده و اشخاص مسدودشده ایالات متحده به دو دسته اداری و قضایی تقسیم‌بندی می‌شود. در روش

1. The Office of Foreign Assets Control (OFAC)

2. Trading with the Enemy Act (TWEA) 1917

3. International Emergency Economic Powers Act (IEEPA) 1977

4. Antiterrorism and Effective Death Penalty Act (AEDPA) 1996

5. Foreign Narcotics Kingpin Designation Act 1999

قضایای اشخاص مشمول تحریم تصمیم‌های اوفک را در مراجع قضایی و دادگاه‌های این کشور به چالش می‌کشند که البته با توجه به اختیارات وسیع اوفک برای اعمال تحریم، در کارآمدی این روش شک و تردیدهای بسیاری وجود دارد، زیرا اعمال تحریم و فهرست کردن اشخاص در آمریکا، به این دلیل که از اختیارات وضع‌شده ناشی از شرایط اضطراری پیروی می‌کند، از قاعده خاصی تبعیت نکرده و دولت این کشور صرفاً بر اساس احتمال خطاکار بودن شخص یا نهادی، اقدام به فهرست کردن وی می‌کند. علاوه بر این، دادگاه‌ها معمولاً در ارزش ماهوی دلایل و استدلال‌های اوفک برای اعمال تحریم ورود نکرده و به‌نوعی بر اختیارات وسیع این نهاد صحنه می‌گذارند. رد شکایت اولگ درپاسکا<sup>۱</sup> در دادگاه واشنگتن در خصوص رفع تحریم‌های وضع‌شده بر شخص او نمونه بارز چنین رویه ای است. دادگاه مذکور در نهایت با بیان اینکه تحریم‌های اعمال‌شده علیه درپاسکا از یک مبنای منطقی برخوردار است، ادعاهای او را فاقد مدرک و بی‌اساس قلمداد کرد (Mengqi, 2021). در روش دیگر که تحت عنوان فرآیند اداری شناخته می‌شود، اشخاص تحریم‌شده مطابق بند ۵۰۱ از پاراگراف ۸۰۷ کد مقررات فدرال آمریکا،<sup>۲</sup> ابتدا اعتراض خود را مبنی بر این‌که فهرست شدن از ابتدا اشتباه بوده یا شرایطی که بر مبنای آن، تحریم رخ داده تغییر کرده و دیگر وجود ندارد، به این نهاد اعلام داشته و تقاضای بازبینی در تصمیم می‌کنند.<sup>۳</sup> چنانچه اعتراض به جایی نرسد، از طریق مکاتبه و تشکیل جلسات با اوفک پیشنهادی خود را برای جلب رضایت اوفک برای خروج از فهرست اتباع ویژه مشخص شده و اشخاص مسدود شده اعلام می‌دارند و در نهایت در صورت جلب نظر نهاد مذکور از طریق اعمال تغییرها، خروج از فهرست تحریم توسط اوفک اعلام می‌شود. البته لازم به

1. Oleg Deripaska

2. Code of Federal Regulations (CFR)

3. 31 CFR § 501.807 - Procedures governing delisting from the Specially Designated Nationals and Blocked Persons List

ذکر است که این نهاد برای تشکیل جلسات حضوری و استماع پیشنهادهای شخص مشمول تحریم هیچ الزام قانونی نداشته و کاملاً مختارانه عمل می‌کند.<sup>۱</sup>

یکی از نمونه‌های موفق فرآیند اخیر که در شناسایی روش‌های خروج از تحریم نیز بسیار حائز اهمیت تلقی می‌شود، حذف نام مجموعه‌ای از شرکت‌های بزرگ روسی از فهرست اس دی ان در ژانویه ۲۰۱۹ بوده است. در تاریخ ششم آوریل ۲۰۱۸، دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی وزارت خزانهداری ایالات متحده آمریکا، شش نفر از اتباع متفرد کشور روسیه از جمله اولگ دریپاسکا و دوازده شرکت تحت کنترل و مالکیت آن‌ها را تحریم و وارد فهرست اتباع ویژه مشخص شده و اشخاص مسدود شده کرد. این تصمیم در زمره یکی از تأثیرگذارترین اقدام‌های تحریمی اوفک بود که با تحریم تعدادی از شرکت‌های بین‌المللی روس، جریان انتقال ثروت به این اشخاص را تحت تأثیر قرار داد. در میان شرکت‌های مشمول تحریم در تصمیم مذکور، نام شرکت ای ان پلاس<sup>۲</sup> به دلیل مالکیت و کنترل مستقیم یا غیرمستقیم توسط اولگ دریپاسکا وجود داشت. همچنین شرکت روسال<sup>۳</sup> به دلیل مالکیت و کنترل (مستقیم یا غیرمستقیم) توسط ای ان پلاس مشمول تحریم شد. اوفک همچنین شرکت یورو سیب انرگو<sup>۴</sup> را به دلیل مالکیت و کنترل آن توسط شرکت ای ان پلاس و آقای دریپاسکا تحریم کرد. اثرات تحریم شرکت روسال، به‌عنوان دومین شرکت بزرگ تولیدکننده آلومینیوم جهان، بلافاصله احساس شد. قیمت جهانی آلومینیوم افزایش چشمگیری پیدا کرد و شرکت‌های زیرمجموعه روسال در ایرلند، سوئد، جامائیکا و گینه تعطیل شدند. پس از اعمال تحریم، وکلای شرکت‌های مذکور با مراجعه به دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی وزارت خزانهداری آمریکا خواهان خروج از فهرست اس دی ان خزانهداری آمریکا شدند و در نهایت موفق شدند طی حدود نه ماه مذاکره فشرده با اوفک و با هدایت و

---

1. 31 CFR § 501.807, Para. (b)  
 2. EN+ Group plc (EN+)  
 3. UC Rusal plc (Rusal)  
 4. JSC EuroSibEnergo (ESE)

وزیر سابق انرژی و تغییرات اقلیمی بریتانیا، لرد گریگوری بارکر<sup>۱</sup> با ارائه برنامه جامعی به قصد محدود کردن مالکیت و کنترل درپاسکا بر این شرکت‌ها، از لیست تحریمی ایالات متحده خارج شوند<sup>۲</sup>. استانداردها و معیارهای اعمال شده توسط اوفک بر این شرکت‌ها جهت خروج آن‌ها از فهرست اس دی ان، ضمن ایجاد رویه لازم، شاخص‌های اصلی جهت فهم نگاه اوفک به انقطاع رابطه مالکانه و کنترلی جهت خروج از فهرست تحریم‌ها را به دست می‌دهد.

### ۱. معیارهای اصلی اعمال و رفع تحریم توسط اوفک

در منظومه مطالعات تحریمی، دو معیار مالکیت و کنترل در زمره مستحکم‌ترین مفاهیم حقوقی قرار می‌گیرند. نظام تحریم‌های شخصی در کشور ایالات متحده آمریکا نیز همانند اتحادیه اروپایی بر پایه دو معیار مالکیت و کنترل بنا شده است؛ اما در خصوص خروج از فهرست تحریم‌ها با بررسی رویه اوفک در قبال شرکت‌های روسی به تعهدهایی برمی‌خوریم که ذیل دو معیار مالکیت و کنترل قرار نمی‌گیرند و تحت عنوان شفافیت در اداره شرکت بررسی خواهند شد. در واقع، همین نکته حکایت از پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر بودن نحوه خروج از نظام تحریمی کشور آمریکا در قیاس با سایر نظام‌های تحریمی دارد، زیرا این نظام با تعیین الزام‌هایی نوین برای اشخاص تحریم شده درصدد ایجاد استحکام بیشتر در نظام تحریمی خود است و همچنین مطالعات حوزه تحریم را یک گام به پیش می‌برد.

#### ۱-۱. معیار مالکیت

مالکیت یک شرکت به‌عنوان مهم‌ترین معیار به‌منظور تحت تحریم قرار گرفتن شرکت‌ها توسط اوفک مدنظر قرار می‌گیرد. اگرچه در نظام حقوقی آمریکا، برخلاف اتحادیه اروپا،

1. Lord Gregory Barker

2. En+ GROUP (2019), "En+ Group Announces its Removal from OFAC's SDN List", (Last Visited: May 11, 2021)

میزان مشخصی از مالکیت یک شرکت به‌عنوان مبنای اصلی تحریم به شکل قطعی مشخص نشده، رویه تحریمی اوفک نشان می‌دهد که این نهاد میزان ۵۰ درصد از مالکیت سهم یک شرکت توسط اشخاص مشمول تحریم را واجد اثر شناسایی کرده و اقدام به تحریم می‌کند؛ به عبارت دیگر، چنانچه اشخاص تحریم‌شده مالکیت سایر شرکت‌ها را به میزان ۵۰ درصد یا بیشتر در اختیار داشته باشند، آنان به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی شرکت‌های مزبور تلقی شده و در نتیجه، شرکت‌های تحت مالکیت نیز تحریم می‌شوند (Department of Treasury, 2014:1). در ادبیات تحریمی اوفک، از این نکته تحت عنوان قاعده ۵۰ درصد<sup>۱</sup> نیز یاد می‌شود. در بررسی معیار مالکیت ذکر این نکته خالی از لطف نیست که معیار مالکیت برای اعمال تحریم به شکل سراسی<sup>۲</sup> عمل می‌کند. توضیح آنکه اگر شرکت مادر مشمول تحریم‌های ایالات متحده آمریکا باشد، تمامی شرکت‌های فرعی که مالکیت حداقل ۵۰ درصد سهام آن‌ها متعلق به شرکت مادر است، مشمول تحریم می‌شوند. حال آنکه اگر شرکت فرعی شخصاً به دلایل دیگری تحریم شود، این امر ملازمه‌ای با تحریم شرکت مادر نخواهد داشت. همانند قضیه تحریم شرکت تی تی آی<sup>۳</sup> و شرکت تجاری روسنت<sup>۴</sup> که در آن هرچند این شرکت‌ها به‌عنوان شرکت‌های فرعی روس نفت شناسایی شده بودند، به دلیل عدم تحریم شرکت روسنت، تحریم شرکت‌های فرعی به شرکت مادر تسری نیافت (Sayre, 2020). اوفک در بحث تطبیق معیار مالکیت از دو دسته مفهوم مالکیت مستقیم<sup>۵</sup> و غیرمستقیم<sup>۶</sup> سود می‌برد.

### ۱-۱-۱. مالکیت مستقیم

در یک تعریف ساده مالکیت مستقیم به این معنی است که در زنجیره روابط شرکتی میان شرکت مادر و فرعی، هیچ شخص حقوقی به‌عنوان واسطه نقش بازی نمی‌کند.

1. 50 Percent Rule
2. Downhill
3. TNK Trading International S.A.
4. Rosneft Trading S.A.
5. Direct Ownership
6. Indirect Ownership



همانند شرکت ای ان پلاس که تا پیش از خاتمه تحریم‌های آمریکا، مالکیت ۵۶/۸۸ درصد شرکت روزال و ۱۰۰ درصد شرکت یورو سبب انرگو را در اختیار داشت. همچنین شخص اولگ دریپاسکا نیز مالک ۷۰ درصد از گروه شرکتی ای ان پلاس بود. طبیعتاً در چنین وضعیتی مؤثرترین راهکار خروج از لیست تحریمی ایالات متحده کاهش مالکیت سهم شخص تحریم‌شده به کمتر از ۵۰ درصد است. چنانکه در قضیه تحریم گروه شرکتی ای ان پلاس، یکی از راهکارهای برون‌رفت از تحریم، کاهش سهام دریپاسکا به ۴۴/۹۵ درصد در این شرکت بوده است. این کاهش تقریباً ۲۵ درصدی از طریق افزایش سرمایه و تخصیص سهم به مالکان جدید، اهدای سهم به نهادهای خیریه و تملک سهم شرکت توسط بانک به‌عنوان وثایق تعهدهای پیشین شرکت محقق شده است. همچنین مالکیت ۵۶/۸۸ شرکت ای ان پلاس در شرکت روزال در قدم اول به ۵۰/۱۲ درصد کاهش یافته است (Reuters, 2020). لازم به ذکر است که نظام تحریمی ایالات متحده در بحث احراز رابطه مالکیت مستقیم از رویکردی سخت‌گیرانه‌تر نسبت به اتحادیه اروپایی بهره‌مند است، زیرا قوانین و اسناد مرتبط با این حوزه در اتحادیه اروپایی، تملک بیش از ۵۰ درصد سهام یا حقوق مالکانه شرکت را به‌عنوان یک معیار شناسایی کرده‌اند (رضوی و سالاری، ۱۳۹۸: ۴۹). حال آنکه در آمریکا صرف تملک ۵۰ درصد از سهام شرکت‌ها نیز برای احراز مالکیت مستقیم کفایت می‌کند. علاوه بر کاهش سهم مالک مستقیم، شرکت مشمول تحریم باید متعهد شود که از این پس سهام خود را به هیچ شخص مشمول تحریمی عرضه نکند. چنانکه در قضیه خروج از تحریم شرکت‌های ای ان پلاس و روزال نیز شرکت‌های مذکور متعهد شدند که سهام دریپاسکا از حدود معین‌شده هیچ‌گاه تجاوز نکند (Department of The Treasury, 2019: 3). یک مثال دیگر از تحریم با استفاده از معیار مالکیت مستقیم،

تحریم شرکت چینی کسکو دالیان<sup>۱</sup> در تاریخ سپتامبر ۲۰۱۹ است که منتهی به تحریم شرکت‌های فرعی<sup>۲</sup> آن نیز شده بود (Sayre, 2020).

نکته مهم این‌که در احراز رابطه مالکیت مستقیم لازم نیست که حداقل ۵۰ درصد از سهم شرکت متعلق به یک شخص مشمول تحریم به شکل انفرادی باشد بلکه چنانچه مجموع سهام اشخاص مشمول تحریم ولو مجتمعاً، در یک شرکت به میزان ۵۰ درصد یا بیشتر برسد، تحریم شرکت تحت مالکیت محقق شده است. به‌عنوان مثال، اگر شخص تحریمی الف میزان ۲۵ درصد و شخص تحریمی ب نیز ۲۵ درصد سهام شرکت ج را در تملک خود داشته باشند، شرکت ج مشمول قاعده ۵۰ درصد قرار گرفته و تحریم خواهد شد (Department of Treasury 2014).

در اختیار داشتن سهام مدیریتی<sup>۳</sup> و سهام کنترلی<sup>۴</sup> در یک شرکت توسط اشخاص مشمول تحریم از دیگر مصادیق احراز رابطه مالکیت توسط اوفک است. این دسته از سهام‌های مذکور که به‌عنوان نوع خاصی از سهام ممتاز در یک شرکت تلقی می‌شوند، امتیاز انتخاب یک یا چند عضو هیئت‌مدیره را برای دارنده خود به ارمغان خواهند آورد. در چنین شرایطی هرچند در بادی امر به نظر می‌رسد که شخص تحریم شده از مزایای یک سهامدار عمده برخوردار نیست، اما با کمی دقت نظر می‌توان بیان داشت که شخص مذکور از طریق تملک سهام مدیریتی و کنترلی از امتیازاتی بهره‌مند می‌شود که به‌نوعی نقض فلسفه کاهش سهم سرمایه‌گذار تلقی می‌شود. در این حالت اوفک به‌منظور عدم امکان دور زدن ضابطه مالکیت مستقیم و به‌عنوان یکی از شروط رفع تحریم، اقدام به تعلیق امتیازهای مذکور برای سهامدار مشمول تحریم خواهد کرد، زیرا

1. COSCO Shipping Tanker (Dalian) Co. Ltd

2. COSCO Shipping Tanker (Dalian) Seaman & Ship Management Co, Ltd., China Concord Petroleum, Kunlun Holding Company. Ltd., Kunlun Shipping Company. Ltd., Pegasus 88 Ltd.

۳. به‌میزانی از سهم یک شرکت که دارنده آن طبق اساسنامه اختیار تعیین حداقل یک عضو هیئت‌مدیره را داشته باشد سهام مدیریتی می‌گویند.

۴. به‌میزانی از سهم که دارنده آن قادر به تعیین اکثریت اعضای هیئت‌مدیره خواهد بود سهام کنترلی می‌گویند.

به کمک ایجاد این محدودیت، سهامدار مشمول تحریم نمی‌تواند امتیازهایی را که متعاقب کاهش سهم خود در یک شرکت به زیر ۵۰ درصد از دست داده است، با تملک سهم مدیریتی و کنترلی جبران کند. علاوه بر این، از دید اوفک کاهش میزان حق رأی یک سهامدار تحریمی از راهکارهای مؤثر برای کاهش قدرت ناشی از تملک سهم و در نهایت خروج شرکت از فهرست اس دی ان به شمار می‌رود. چنانکه در قضیه تحریم شرکت ای ان پلاس، اوفک مقرر کرد که حق رأی درپاسکا در این شرکت علی‌رغم اینکه او پس از اعمال تغییرهای مالک ۴۴/۹۵ درصد سهام است، به میزان ۳۵ درصد کاهش پیدا کند و مابقی حق رأی او به یک نهاد تراستی مورد تأیید اوفک واگذار شده و این نهاد همانند اکثریت سهامداران دیگر حق رأی را اعمال کند (Department of The Treasury, 2019: 4).

پس از بررسی معیار مالکیت مستقیم توسط اوفک به روشنی می‌توان دریافت که شرکت‌هایی که توسط اشخاص مشمول تحریم با مالکیت اکثریت سهام تأسیس می‌شوند به سهل‌ترین شیوه ممکن قابل شناسایی و قرارگیری در فهرست تحریم‌ها هستند. از این نکته می‌توان نتیجه گرفت که آن دسته از اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در عرصه بین‌المللی که خواستار رفع خطر تحریم از دارایی و شرکت‌های خود هستند، باید در ترکیب سهامداری شرکت‌ها ملاحظه بسیار داشته باشند، زیرا در صورت تملک اکثریت سهام شرکت، اعمال تحریم بر آن‌ها خودبه‌خود به شرکت‌هایی که ۵۰ درصد در آن مالکیت دارند نیز تسری پیدا خواهد کرد.

### ۱-۱-۲. مالکیت غیرمستقیم

در این شیوه از شرکت‌داری، یک یا بیش از یک شخص حقوقی به‌عنوان واسطه<sup>۱</sup> میان شخص تحریم‌شده و شرکت‌های دیگر نقش بازی می‌کنند، چنانکه در نگاه اول هیچ ارتباط محسوس مالکیتی میان شرکت‌های مذکور و شخص تحریم‌شده قابل رؤیت

نیست؛ اما با بررسی دقیق‌تر ملاحظه می‌شود که نه‌تنها شخص مشمول تحریم در تصمیم‌گیری شرکت فرعی اثرگذار است بلکه عملاً مالکیت این شرکت نیز با استفاده از چند شرکت واسطه‌ای، در انحصار اوست. با این توضیح که وقتی شرکت واسطه‌ای با اعمال قاعده ۵۰ درصد، در مالکیت شخص تحریم‌شده قرار بگیرد، تمامی شرکت‌هایی نیز که شخص واسطه در آن به میزان ۵۰ درصد مالکیت سهام داشته باشد به شکل غیرمستقیم تحریم می‌شوند. همانند شخص اولگ در پلاسکا که علی‌رغم نداشتن هیچ‌گونه سهمی در شرکت‌های روزال و یورو سیب انرگو، با واسطه شرکتی همانند ای ان پلاس، مالکیت شرکت‌های مذکور را در اختیار داشته است. توضیح آنکه آقای دریپاسکا با مالکیت ۷۰ درصدی شرکت ای ان پلاس عملاً بر شرکت‌های روزال و یورو سیب انرگو به‌عنوان شرکت‌های فرعی ای ان پلاس مالکیت داشته است. در چنین حالتی کاهش سهام فرد تحریم‌شده در شرکت مادر، به شکل طبیعی منجر به کاهش قدرت او در شرکت‌های فرعی نیز خواهد شد.

نکته مهم دیگر آن است که مالکیت غیرمستقیم نیز می‌تواند همانند مالکیت مستقیم به شکل اجتماعی از ناحیه چند شخص تحریم‌شده رخ دهد. به‌عنوان مثال اگر شخص تحریمی الف مالکیت ۵۰ درصد شرکت ب و ۵۰ درصد شرکت ج را در اختیار داشته باشد و شرکت‌های ب و ج هرکدام مالک ۲۵ درصد سهم شرکت د باشند، شرکت د به دلیل اینکه مجموعاً نیمی از سهم آن به شکل غیرمستقیم تحت تملک شخص الف است، تحریم خواهد شد. همچنین اگر شخص تحریمی ۱۰ درصد و شرکت تحت مالکیت او ۴۰ درصد مالکیت شرکت ثالثی را در اختیار داشته باشد، شرکت ثالث مشمول تحریم‌های اوفک قرار می‌گیرد (Department of Treasury 2014).

آشنایی با مفهوم مالکیت غیرمستقیم برای اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در حوزه تجارت بین‌الملل بسیار ارزشمند است، زیرا تفکر غالب همواره این بوده است که می‌توان از طریق تأسیس زنجیره‌ای از شرکت‌های فرعی و پوششی، خطر اعمال تحریم را کاهش داد؛ اما با بررسی قواعد تحریمی ایالات متحده آمریکا می‌توان دریافت که

چنین برداشتی صحیح نیست؛ به عبارت دیگر، شاید تأسیس زنجیره شرکتی فرآیند شناسایی و تحریم اشخاص اصلی را طولانی‌تر کند، لیکن با توجه به بهره‌مندی آمریکا از معیار مالکیت به شکل غیرمستقیم، نمی‌تواند به‌عنوان راه‌حل قطعی برای عدم اعمال تحریم معرفی شود. همچنین می‌توان ادعا کرد که چون تأسیس چندین شرکت فرعی مستلزم هزینه‌های بیشتری برای سهامداران و صاحبان تجارت است، در صورت وقوع تحریم ضرر به مراتب هنگفت‌تری هم بر این اشخاص تحمیل می‌شود.

### ۱-۲. معیار کنترل

پس از بررسی معیار مالکیت اکنون به بحث در خصوص معیار کنترل می‌پردازیم. در یک تعریف ساده معیار کنترل به این معنی است که آیا شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی محدودی، توانایی اثرگذاری مهم و حیاتی بر تصمیم‌های اساسی شرکت از جمله انعقاد قراردادها، تعیین مدیرعامل و بازرسان، تهیه صورت‌های مالی شرکت و استفاده از اموال و دارایی‌های شرکت را دارند یا خیر. پرداختن به معیار کنترل که به‌عنوان ابزاری در نظریه خرق حجاب شرکتی<sup>۱</sup> نیز به کار می‌رود، به بیان حالتی می‌پردازد که در آن از شخصیت حقوقی مجزای شرکت توسط ذی‌نفعان اصلی آن استفاده ابزاری می‌شود؛ یعنی با بررسی ملاک‌های معیار کنترل نهایتاً چنین نتیجه‌گیری می‌شود که نه‌تنها هیچ‌گونه اثر عملی بر تفکیک میان شخصیت حقوقی شرکت و ذی‌نفعان مترتب نبوده بلکه آن‌ها صرفاً برای مخفی‌سازی هویت واقعی خود در سایه شخصیت حقوقی شرکت، اقدام به تأسیس یک شرکت یا موسسه کرده‌اند و این شخصیت حقوقی بدون هیچ‌گونه استقلالی در کنترل تام و تمام مؤسسين قرار دارد (جنیدی و زارع، ۱۳۹۴: ۹۰). یکی از کاربردهای اصلی معیار کنترل در بحث اعمال تحریم است که در آن هر نظام تحریمی مصادیق مخصوص به خود را برای احراز کنترل مورد شناسایی قرار می‌دهد. از نگاه اوفک دو مصداق بسیار مهم برای احراز

معیار کنترل در یک شرکت به کار برده می‌شود؛ چینی‌های اعضای هیئت‌مدیره و موافقت‌نامه سهامداران. در ادامه به بررسی این دو مصداق از احراز رابطه کنترل و الزامات اوفک برای خروج از دایره کنترل و نهایتاً لغو تحریم‌ها خواهیم پرداخت.

### ۱-۲-۱. چینی‌های اعضای هیئت‌مدیره

به شکل طبیعی اشخاصی که بیشترین میزان سهم یک شرکت را در تملک خود دارند، در انتخاب مدیران یک شرکت اثرگذارتر هستند و در اکثر شرکت‌ها این امر از طریق رأی‌گیری تجمعی<sup>۱</sup> برای انتخاب مدیران، عادی تلقی می‌شود. لیکن چنانچه اوفک میان اشخاص تحریمی و مدیران شرکت‌هایی که این اشخاص در آن سهامدار هستند هرگونه ارتباطی بیابد، وجود همین ارتباط برای گسترش حوزه تحریم به شرکت‌های مذکور کفایت می‌کند.

در انتخاب مدیران یک شرکت، بحث در خصوص نقش موافقت‌نامه‌های سهامداران<sup>۲</sup> به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر بر چینی‌های اعضای هیئت‌مدیره لازم است. موافقت‌نامه سهامداران، به‌عنوان قراردادی که گاه میان صاحبان شرکت و گاه با خود شرکت منعقد می‌شود، امروزه ابزار اصلی حکمرانی شرکتی در حقوق شرکت‌ها است. این نقش مؤثر به این دلیل است که موافقت‌نامه سهامداران علاوه بر تفاوت‌های فرایندی با اساسنامه و آیین‌نامه‌های شرکت، این قدرت را به سهامداران می‌دهد که مجموعه‌ای از حقوق قانونی را که نمی‌توان توسط آیین‌نامه و اساسنامه از آن‌ها چشم‌پوشی کرد، به حال تعلیق درآورند، زیرا موافقت‌نامه‌های سهامداران به‌عنوان یک قرارداد، تابع حقوق قراردادها و نه حقوق شرکت‌ها تلقی می‌شوند و طبیعتاً با بسیاری از محدودیت‌های اسناد حوزه حقوق شرکت‌ها رو به رو نیستند. طبق سیستم عادی رأی‌گیری موجود در حقوق شرکت‌ها، تضمین داشتن نماینده‌ای در هیئت‌مدیره برای یک سهامدار اقلیت سخت است. لیکن موافقت‌نامه‌های سهامداران با ایجاد این امکان

1. Cumulative voting

2. Shareholders Agreements

که سهامداران اقلیت در خصوص اعضای هیئت‌مدیره دست به انعقاد قرارداد بزنند، امکان کنترل امور جاری شرکت توسط آن‌ها را تسهیل می‌کند؛ به عبارت دیگر، بر اساس نظام حاکم در حوزه حقوق شرکت‌ها امکان انتخاب مدیران شرکت یک توانایی است که بر اساس قدرت رأی سهامداران معین می‌شود حال آنکه، موافقت‌نامه‌های سهامداران این توانایی را بر اساس تعهدهای قراردادی معین می‌کنند، یعنی تعهدهای قراردادی جایگزین قدرت رأی‌دهی سهامداران می‌شود. البته انعقاد موافقت‌نامه سهامداران تنها راه نیل به اهداف مذکور در یک شرکت تلقی نمی‌شود بلکه راه‌های دیگری همانند رأی‌گیری تجمعی<sup>۱</sup> و حق رأی ناشی از سهم ممتاز<sup>۲</sup> از دیگر روش‌های تضمین اثرگذاری در چینش اعضای هیئت‌مدیره است. لیکن این دست اقدام‌ها برخلاف انعقاد موافقت‌نامه سهامداران، نیاز به اقدام‌های درون شرکتی دارد. به همین دلایل است که امروزه چنین ادعا می‌شود که بسیاری از شرکت‌های خصوصی موضوع یک یا چند موافقت‌نامه سهامداران واقع شده و می‌شوند، زیرا این نوع از شرکت‌ها نیازی به افشاء موافقت‌نامه‌های سهامداران خود نیز ندارند و این امر نیز، علاوه بر امتیازات فوق‌الذکر، به‌عنوان یک عامل تسهیل‌کننده انعقاد آن‌ها تلقی می‌شود (Rauterberg, 2020: 20-21).

در بحث انتخاب مدیران اکثر قریب به اتفاق موافقت‌نامه‌های سهامداران متضمن تعهدهایی در خصوص نحوه انتخاب مدیران هستند. این توافق‌ها از حیث ماهوی به دو دسته تعهدهای افقی<sup>۳</sup> و عمودی<sup>۴</sup> تقسیم می‌شوند. توافق افقی به آن نوع از تعهدهایی

۱. رأی‌گیری تجمعی به حالتی از رأی‌گیری اطلاق می‌شود که در آن میزان حق رأی یک سهامدار برابر با حاصل ضرب مجموع سهم او در تعداد اعضای خالی هیئت‌مدیره، است و سهامدار می‌تواند تمام رأی خود را به یک یا چند نفر از نامزدهای تصدی هیئت‌مدیره تخصیص دهد.

۲. توضیح آنکه اساسنامه شرکت می‌تواند به دارندگان نوع خاصی از سهام شرکت این حق را اعطا کند که آنان یک یا تعدادی از مدیران شرکت را انتخاب کنند. استفاده از چنین امکانی می‌تواند به‌عنوان یکی از راه‌های جایگزین موافقت‌نامه سهامداران تلقی شود. پس یک سهامدار می‌تواند به جای انعقاد موافقت‌نامه سهامداران، دست به تملک چنین نوع خاصی از سهم یک شرکت بزند.

3. Horizontal commitments

4. Vertical commitments

اطلاق می‌شود که میان خود سهامداران منعقد می‌شود و در آن چنین مقرر می‌شود که یک یا چند سهامدار اقلیت از حق نامزدی یک یا چند عضو هیئت‌مدیره برخوردار باشند و یا اینکه طرفین مشخصی از قرارداد حق رأی خود را به نامزد معرفی‌شده از ناحیه یک سهامدار خاص اعطاء کنند.

در نوع دیگری از توافق برای انتخاب مدیران که تحت عنوان تعهد عمودی شناخته می‌شود، شرکت به شخصه متعهد می‌شود که از نامزدهای معرفی‌شده توسط یک سهامدار خاص حمایت کند. مصادیق این حمایت عبارت از این هستند که شرکت تعهد می‌دهد که نام این نامزدان را در لوح نامزدان<sup>۱</sup> پیشنهادشده توسط شرکت بگنجاند یا اینکه حداکثر تلاش معقول خود را برای انتخاب آن‌ها به عمل آورد.

از دید اوفک، برای خروج از تحریم، اعضای هیئت‌مدیره شرکت مشمول تحریم باید مستقل باشند. تعریف استقلال از دید اوفک این است که مدیران نمی‌بایست هیچ‌گونه ارتباط مالی، تجاری و خانوادگی با فرد مشمول تحریم یا سایر اشخاصی که نامشان در لیست اس دی ان قرار گرفته، داشته باشند و تشخیص این موضوع امری است که این نهاد به شکل موردی به بررسی آن می‌پردازد. اگرچه این تعریف کوتاه و مختصر است، لیکن می‌توان با بررسی قواعد ثبت شرکت‌ها در بازار بورس نیویورک<sup>۲</sup> و همچنین سامانه اعلام قیمت خودکار انجمن مالی مبادله گران اوراق بهادار (بازار بورس نزدک)<sup>۳</sup> به معنا و مصادیق اصلی استقلال و عدم استقلال مدیران پی برد. قواعد بورس نیویورک در خصوص تعریف مدیر مستقل چنین بیان می‌کند:

«هیچ مدیری مستقل شناسایی نخواهد شد مگر آنکه هیئت‌مدیره معین کند که شخص مذکور هیچ‌گونه ارتباط اساسی با شرکت درخواست دهنده ندارد. علاوه بر این، یک مدیر مستقل نخواهد بود اگر:

1. Slate of Candidates
2. The New York Stock Exchange (NYSE)
3. National Association of Securities Dealers Automated Quotations (NASDAQ)



الف) شخص مذکور طی سه سال اخیر کارمند شرکت یا یکی از اقارب بلافصل او طی سه سال اخیر مدیرعامل شرکت درخواست دهنده بوده باشد.

ب) شخص مذکور یا یکی از اقارب بلافصل او طی سه سال اخیر بیش از ۱۲۰ هزار دلار آمریکا از شرکت درخواست دهنده وجه دریافت کرده باشد.

پ) شخص مذکور یا یکی از اقارب بلافصل او کارمند یا شریک شرکت حسابرسی درخواست دهنده باشد.

ت) شخص مذکور یا یکی از اقارب بلافصل او طی سه سال اخیر شخصاً به‌عنوان حسابرس شرکت فعالیت کرده باشد.

ث) شخص مذکور یا یکی از اقارب بلافصل او طی سه سال اخیر به‌عنوان مدیرعامل در شرکتی که حداقل یکی از اعضای هیئت‌مدیره آن با شرکت درخواست دهنده مشترک باشد، فعالیت کرده باشد» ( New York Stock Exchange Listed Company Manual, 2009: 303A.02(a)(b).

در بازار بورس نزدیک هرچند تعریف استقلال مدیران شباهت‌های بسیاری با بورس نیویورک دارد، تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شود که بیان آن‌ها خالی از لطف نیست:

«مدیر مستقل به معنای شخصی به‌جز مدیرعامل، کارمند شرکت یا اشخاص واجد رابطه‌ای که در نظر هیئت‌مدیره در انجام وظایف مدیریت به شکل مستقل ایجاد اختلال کند، هستند. در راستای اعمال این قاعده، عضو خانواده به معنای نامزد، ابوی، فرزندان، خواهران، برادران، عروس و داماد است.

اشخاص زیر به‌عنوان مدیر مستقل شناسایی نمی‌شوند:

الف) شخصی که خودش یا یکی از اعضای خانواده او در هر سازمانی که شرکت درخواست‌کننده ایجاد کرده یا سازمانی که طی سه سال مالی اخیر بیش از ۵ درصد درآمد ناخالص سالیانه شرکت درخواست‌کننده را تقبل کرده، به‌عنوان شریک، سهامدار کنترل‌کننده یا مدیرعامل سمت داشته است» ( The NASDAQ Stock Market Rules, (2)(D). 5605.(a) (2020).

در قضیه تحریم گروه شرکتی ای ان پلاس، اوفک مقرر کرد که هفت عضو از ۱۲ عضو هیئت‌مدیره این شرکت می‌بایست از میان افرادی که مستقل از درپاسکا می‌باشند، انتخاب شوند و در عین حال هشت نفر از آنان تبعه بریتانیا یا آمریکا خواهند بود. حال آنکه تعداد مدیران مستقل تا پیش از اعمال تغییرات فوق‌الذکر سه نفر بوده است. علاوه بر این، چنین مقرر شد که درپاسکا حداکثر امکان انتخاب چهار عضو هیئت‌مدیره را داشته باشد که هیچ‌کدام از این اشخاص نیز امکان حضور در کمیته انتصاب‌ها و حسابرسی شرکت را نخواهند داشت. در خصوص شرکت روزال نیز این نهاد بیان داشت که هشت عضو از ۱۴ عضو هیئت‌مدیره این شرکت نیز باید از دید اوفک مستقل از درپاسکا باشند و رئیس هیئت‌مدیره نیز از میان این افراد انتخاب خواهد شد. علاوه بر این اسامی لوح نامزدان هیئت‌مدیره که از ناحیه مدیران سابق شرکت معرفی می‌شود نیز با نظارت اوفک تعیین شده و ثبت می‌شود (Department of The Treasury, 2019: 4).

نکته قابل توجه این است که هم طبق قواعد بورس نیویورک و هم بر اساس قواعد بازار بورس نزدیک، شرکت‌های کنترل‌شده<sup>۱</sup> معاف از معرفی مدیران مستقل هستند؛ به عبارت دیگر این نوع از شرکت‌ها نیازی به معرفی مدیر مستقل نداشته و می‌توانند از مدیران وابسته بهره ببرند. در خصوص شناسایی حقوقی شرکت کنترل‌شده، دو سازمان مذکور با ارائه تعریفی مشابه شرکت‌هایی را که بیش از ۵۰ درصد حق رأی آن‌ها متعلق به یک شخص حقیقی، حقوقی یا گروه است، کنترل‌شده تلقی می‌کنند (The NASDAQ Stock Market Rules, 2020:5615(a)). این امر نشان می‌دهد که اوفک در شرایط اعمال تحریم ممکن است شرکت‌هایی را که علی‌رغم قواعد و قوانین حوزه حقوق شرکت‌ها در ایالات متحده آمریکا نیازی به معرفی مدیران مستقل ندارند، ملزم به معرفی و انتخاب مدیران مستقل کند تا حاشیه کنترل اشخاص مشمول تحریم بیش از پیش محدود شود.<sup>۲</sup>

#### 1. Controlled Company

۲. برای مشاهده سایر معافیت‌های شرکت‌های کنترل‌شده در بورس نیویورک ر.ک:

New York Stock Exchange Listed Company Manual, 2009: 303A.01, 303A.04, 303A.05

تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی کشور نیز ملزم به تبعیت از دستورات و آیین‌نامه‌های اوفک هستند، زیرا مطابق دستورالعمل این اداره، مقررات دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی برای تمامی شهروندان آمریکا و نیز برای همه افراد، شرکت‌ها و ارگان‌های تابعه نهادها که در سرزمین آمریکا حضور دارند، لازم‌الاجرا است و همین امر حکایت از صلاحیت وسیع و اختیارهای ویژه این نهاد برای تعیین معیارهای خروج از تحریم می‌کند. (عسگریان و وکیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۹). علاوه بر این، اوفک این حق را صراحتاً برای خود قائل است که در شیوه فعالیت مدیران مستقل نیز ورود کرده و در صورتی که به ظن حمایت از فرد تحریم شده برسد علاوه بر بازگرداندن تحریم شرکت، اقدام به تحریم مدیر خاطی نیز بکند (8: 2019, Department of The Treasury).

پس از مطالعه نحوه چینش مدیران می‌توان چنین برداشت کرد که سهامداران تحریم‌شده یک شرکت یا آن دسته از سهامدارانی که در خطر تحریم قرار دارند، در خصوص تعیین مدیران شرکت خود نباید دست به انتخاب اشخاصی بزنند که ظن وجود ارتباط حرفه‌ای، شغلی یا خانوادگی میان مدیران و آن‌ها را تقویت می‌کند؛ به عبارت دیگر، ممکن است سهامداران چنین برداشت کنند که با کاهش سهام خود در شرکت به کمتر از ۵۰ درصد خطر تحریم‌های آمریکا را از میان برده‌اند؛ اما باید بیان کرد که فارغ از میزان مالکیت شرکت، طبق نظام تحریمی ایالات متحده، معیار کنترل و یکی از مهم‌ترین مصادیق آن یعنی چینش اعضای هیئت‌مدیره هم می‌تواند به تنهایی دلیلی برای اعمال تحریم باشد. لذا، در صورت غفلت و تعیین مدیرانی که از دید اوفک مستقل به شمار نمی‌آیند، مجدداً احتمال قرار گرفتن شرکت در فهرست تحریم‌ها قوت می‌یابد.

#### ۱-۲-۲. موافقت‌نامه‌های سهامداران

به شکل کلی در تمامی نظام‌های تحریمی به‌ویژه در اتحادیه اروپایی توجه بسیاری به تأثیرهای ناشی از انعقاد موافقت‌نامه سهامداران به‌عنوان یکی از مصادیق رابطه کنترل، میان شرکت‌ها و اشخاص مشمول تحریم شده است. این اتحادیه با بهره‌مندی از مفهومی تحت

عنوان اثرگذاری عمده<sup>۱</sup> اقدام به شناسایی اثرات موافقت‌نامه سهامداران بر اقدام‌های شرکت‌ها و نهایتاً تحریم آن‌ها می‌کند (رضوی و سالاری، ۱۳۹۹: ۱۲۴-۱۲۵). نظام تحریمی آمریکا نیز به تأسی از اتحادیه اروپایی نسبت به موافقت‌نامه‌های سهامداران غفلت نورزیده و در این خصوص محدودیت‌هایی برای شرکت‌های مشتاق به خروج از تحریم وضع کرده است، زیرا موافقت‌نامه‌های مذکور می‌توانند علاوه بر تأثیر بر چینش اعضای هیئت‌مدیره-که پیش از این توضیح داده شد- در سایر سیاست‌ها و تصمیم‌های عمده شرکت نیز منشأ اثر واقع شوند. به‌عنوان مثال، موافقت‌نامه‌های مذکور ممکن است به طرفین خود حق و تو نسبت به تصمیم‌ها و سیاست‌های اساسی شرکت همانند انتصاب یا اخراج مدیرعامل، انعقاد قراردادهای مهم شرکت همانند فروش اموال غیرمنقول، سرمایه‌گذاری مشترک<sup>۲</sup>، ادغام و تصاحب<sup>۳</sup>، پرداخت وام یا ارائه تضمین بابت دیون، پیشنهاد افزایش و کاهش سرمایه، اصلاح اساسنامه، انتشار اوراق قرضه یا اعلام ورشکستگی اختیاری به مجمع عمومی شرکت اعطاء کنند. یکی دیگر از امتیازهایی که ممکن است توسط شرکت به طرف موافقت‌نامه سهامداران داده شود، معافیت از ممنوعیت رقابت با شرکت است. اصل ممنوعیت رقابت با شرکت چنین بیان می‌کند که متولیان شرکت از جمله مدیران و مدیرعامل چنانچه به یک فرصت تجاری برخوردند که در راستای فعالیت‌های شرکت تلقی می‌شود، موظف هستند پیش از فعالیت در این حوزه به شرکت اطلاع داده و به معرفی این فرصت تجاری بپردازند. ممنوعیت رقابت با شرکت که به‌عنوان مصداقی از نظریه وظیفه وفاداری به شرکت<sup>۴</sup> تلقی می‌شود، عنصری است که می‌تواند توسط شرکت به حالت تعلیق درآید و این تعلیق معمولاً از طریق درج در یکی از مواد موافقت‌نامه‌های سهامداران رخ می‌دهد. ایجاد محدودیت برای انتقال یا واگذاری

- 
1. Dominant Influence
  2. Joint Venture
  3. Mergers and Acquisitions
  4. Duty to Loyalty

سهام نیز یکی دیگر از حقوق و تکالیف ایجادشده در قالب موافقت‌نامه‌های سهامداران است (Rauterberg, 2020: 24-25).

در واقع استفاده از چنین روشی می‌تواند به‌عنوان راهی برای دور زدن شناسایی تصمیم‌گیران اصلی شرکت به کار رود، زیرا ممکن است شخص ذی‌نفع در موافقت‌نامه سهامداران، به قصد عدم شناسایی توسط نهاد تحریم‌کننده، میزان اثرگذاری خاصی را در اسناد اصلی شرکت همانند اساسنامه و آیین‌نامه‌ها برای خود درج نکرده باشد. به منظور جلوگیری از ایجاد اثرگذاری عمده اشخاص تحریمی بر شرکت‌های مشتاق به خروج از تحریم، اوفک از شرکت‌های مذکور ضمانت‌هایی در خصوص عدم ایجاد اثرگذاری بر سیاست‌ها و خط‌مشی شرکت از هر طریقی از جمله موافقت‌نامه، قرارداد یا تشکیل تراست اخذ می‌کند. این رویه در خصوص اتمام تحریم شرکت‌های تحت مالکیت و کنترل در پاپاسکا نیز وجود داشته است و در پاپاسکا به موجب یکی از شروط خروج شرکت‌های او از فهرست اس دی ان، حق هرگونه اعمال کنترل بر مدیریت و سیاست‌های شرکت ای ان پلاس و شرکت‌های فرعی آن را از طریق انعقاد هرگونه موافقت‌نامه یا قرارداد از خود سلب کرده است (Department of The Treasury, 2019: 5).

علی‌رغم این‌که بهره‌مندی از موافقت‌نامه سهامداران در حوزه حقوق تجارت و شرکت داری امری عادی تلقی می‌شود، اوفک با این برداشت که این دسته از موافقت‌نامه‌ها روشی برای دور زدن تحریم‌ها است، در صورت شناسایی موافقت‌نامه‌های مذکور میان سهامدار تحریمی و سایر سهامداران که متضمن حقوق ویژه‌ای برای اشخاص تحریم شده باشد، با استفاده از معیار کنترل تحریم‌های خود را بر شرکت تحمیل خواهد کرد. لذا، توصیه اصلی این خواهد بود که در صورت انعقاد موافقت‌نامه‌های سهامداران، بالاترین سطح از محرمانگی در خصوص چنین موافقت‌نامه‌هایی رعایت شود و در اسناد و رویه جاری شرکت نیز هیچ استنادی به وجود چنین موافقت‌نامه‌هایی نشود.

### ۳-۱. فقدان عنصر شفافیت در اداره شرکت

یکی از الزام‌هایی که اوفک برای شرکت‌های مشتاق به خروج از تحریم در نظر می‌گیرد، مجموعه‌ای از شروط است که شرکت‌ها را هر چه بیشتر به سوی ایجاد شفافیت در نحوه اداره امور پیش می‌برد؛ امری که غالباً در شرکت‌های تحریم‌شده مفقود است. شفافیت امروزه به‌عنوان یکی از عناصر اصلی و پایه‌های حکمرانی شرکتی در جهان تلقی می‌شود. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در ماده پنجم اصول حاکم بر حکمرانی شرکتی بیان می‌دارد:

«چهارچوب حکمرانی شرکتی باید تضمین دهد که افشاء دقیق و به موقع اطلاعات نسبت به تمامی موضوع‌های اساسی از جمله وضعیت مالی، کارایی، مالکیت و اداره شرکت به عمل می‌آید» (OECD Principles of Corporate Governance, 2015: 37).

اعمال عنصر شفافیت برای رشد و گسترش حوزه اقتصاد بازار نیز امری حیاتی تلقی می‌شود، زیرا سرمایه‌گذاران به‌منظور شناسایی دقیق ریسک‌ها و نتیجتاً تمایل به سرمایه‌گذاری، نیازمند اطلاعات قابل دسترس و دقیق هستند (Economist Intelligence Unit, 2005: 3). در فهم اهمیت عنصر شفافیت همین بس که امروز نهادهای مختلف بین‌المللی<sup>۱</sup> روش‌هایی را تحت عنوان ابزار سنجش شفافیت<sup>۲</sup> طراحی کرده‌اند و شرکت‌ها را بر اساس توجه به این عنصر مهم طبقه‌بندی می‌کنند. در تمامی این ابزارها توجه به افشاء اطلاعات در زمینه‌هایی مانند گردش مالی، گزارش‌های حسابرسی، مدیریت ریسک، ترکیب اعضای هیئت‌مدیره، ساختار مالکیت، مدیریت و کنترل شرکت، اقدام‌های مرتبط با حقوق بشر، مرامنامه یا اصول رفتاری، حوزه‌های سرمایه‌گذاری، حقوق سهامداران و ارتباطات سیاسی به چشم می‌خورد. علاوه بر این، شفافیت باعث می‌شود که سهامداران با بررسی و ملاحظه اطلاعات، اعمال و سیاست‌های شرکت را در بوته نقد قرار دهند و از این طریق، فرآیند حمایت از حقوق

1. Standard & Poor's, Euromoney, Transparency International, and Institutional Shareholder Service  
 2. Transparency Measurement Tool

آن‌ها تسهیل شود. دخالت بیشتر سهامداران در اعمال و اتفاقات پشت پرده شرکت‌ها در نتیجه اعمال اصل شفافیت بسیار مهم تلقی می‌شود تا جایی که عده‌ای همین تغییر نگرش در خصوص ماهیت وجودی شرکت‌ها به سمت سیاست حداکثرسازی ثروت سهامداران را به‌عنوان علت اصلی گسترش قلمرو شفافیت شرکتی تلقی می‌کنند (Gordon, 2007: 1540). فرآیند ارائه اطلاعات به منظور احراز عنصر شفافیت در شرکت‌های تجاری، معمولاً به دو دسته فعال<sup>۱</sup> و منفعل<sup>۲</sup> تقسیم می‌شود. در حالت فعال شرکت اطلاعات مشخصی را بدون درخواست ذی‌نفعان در مواعد از پیش معین افشاء می‌کند حال آنکه در روش منفعل، اطلاعات مذکور موجود هستند اما دسترسی به آن‌ها نیاز به درخواست افراد از شرکت دارد (Bandsuch, Pate and Thies, 2008: 110-116).

در زنجیره روابط شرکتی علی‌الخصوص میان شرکت‌های مادر و شرکت‌های فرعی، فقدان عنصر شفافیت در حکمرانی شرکتی امری معمول تلقی می‌شود، زیرا اساساً رابطه نزدیک و تنگاتنگ اقتصادی، حرفه‌ای یا خانوادگی میان شرکت مادر به‌عنوان سهامدار و مدیران و تصمیم‌گیران شرکت‌های فرعی وجود دارد. علاوه بر این، فقدان حضور اشخاص ثالث به‌عنوان ذی‌نفع در چنین زنجیره‌ای از شرکت‌داری باعث می‌شود که فشاری هم برای افشای هرچه بیشتر اطلاعات بر دوش شرکت‌ها احساس نشود. این عدم شفافیت معمولاً از طریق ثبت شرکت‌های فرعی در کشورهایی که فاقد الزام‌های قانونی سخت‌گیرانه‌ای برای شرکت‌های ثبت‌شده در محدوده صلاحیتی خود هستند، تشدید می‌شود. نبود سخت‌گیری لازم برای تأیید صلاحیت مدیران و بازرسان، عدم ارائه گزارش‌ها و صورت‌حساب‌های مالی شفاف، فقدان استقلال بازرسان، عدم ثبت صورت‌جلسات هیئت‌مدیره و مجامع و عدم ثبت تغییرها در مالکیت سهام و چینش مدیران شرکت‌ها در یک مرجع مستقل، از مصادیق فقدان عنصر شفافیت در شرکت‌داری تلقی می‌شوند. به منظور رفع این نقیصه در شرکت‌های خواهان رفع

1. Active  
2. Passive

تحریم، اوفک شخصاً به عنوان مرجعی برای کنترل شفافیت در حاکمیت شرکتی ورود کرده و تعهدهای مختلفی را از شرکت‌های مدنظر اخذ می‌کند. این تعهدها عبارت‌اند از:

الف. ارائه صورت‌جلسات و تصمیم‌های هیئت‌مدیره؛

ب. اعلام هرگونه تغییر در اعضای هیئت‌مدیره یا نهادهای تراستی تملک‌کننده سهام؛

پ. ارائه گزارش‌های حسابداری و حسابرسی شرکت؛

ت. عدم تغییر محل ثبت شرکت بدون اخذ تأییدیه اوفک؛

ث. ارائه گزارش‌های ماهانه و سه‌ماهه مبنی بر تأیید تبعیت شرکت از توافق منعقد شده با اوفک.

در قضیه خروج شرکت‌های روسی از فهرست اس دی ان نیز اوفک تعهدهایی از قبیل ارسال اطلاعاتی در خصوص هرگونه تغییر احتمالی مدیران، ارسال صورت‌جلسات هیئت‌مدیره، گزارش‌های حسابرسی، گزارش‌های سه‌ماهه مالی شرکت، اظهارنامه ماهانه مبنی بر تبعیت از تمام شروط اتمام تحریم، عدم تغییر اقامتگاه شرکت‌های تحریم‌شده و تمام شرکت‌های فرعی آن‌ها به کشور روسیه را اخذ کرده است (Department of The Treasury, 2019: 5-7).

### فرجام سخن

تبعات اعمال تحریم‌های اقتصادی بر یک شخص یا شرکت، تنها محدود به آن شرکت یا شخص نامانده و کلیه شرکت‌ها و نهادهای زیرمجموعه و مرتبط با آن شخص یا شرکت را نیز متأثر می‌کند. هر یک از نظام‌های حقوقی تحریمی مانند نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا و یا اتحادیه اروپایی، برای خود تعریفی از نحوه اثرگذاری این تحریم‌ها بر شرکت‌های مرتبط و زیرمجموعه ارائه کرده‌اند. این اثرگذاری در دو قالب مالکیت و کنترل تعریف شده است که هر یک از این دو قالب، علاوه بر رابطه مستقیم مالکانه یا کنترلی، شامل روابط غیرمستقیم نیز می‌شود. اگرچه تعریف موارد مشمول رابطه مستقیم و غیرمستقیم مالکانه و کنترلی که حوزه مشمول تحریم‌ها را دربرمی‌گیرد،



در قوانین و مقررات مربوطه به نظام تحریمی آمریکا به ویژه آیین‌نامه‌ها و پرسش و پاسخ‌های موجود بر تارنمای اوفک مشخص بوده، اما نحوه انقطاع این رابطه و خروج از معیارهای مشمول تحریم تاکنون مشخص نبوده است. اگرچه خروج از فهرست تحریم‌های آمریکا از طریق قضائی و همچنین اداری امری بسیار دشوار است، اما پرونده خروج شرکت‌های ای ان پلاس، روسال و یورو سیب انرگو از فهرست اس دی ان آمریکا که به دلیل مالکیت و همچنین کنترل مستقیم و غیرمستقیم توسط اولگ دریپاسکا تحریم شده بود، رویه اداری و حقوقی بسیار واضح و مهمی در جهت تبیین رویکرد اوفک آمریکا به درخواست‌های خروج از فهرست تحریم‌ها ایجاد کرده است. این رویه عملی و حقوقی اوفک شامل الزام‌های متعددی در حوزه میزان درصد مالکیت، نحوه چینش اعضای هیئت‌مدیره، محل اقامت و تابعیت آن‌ها، عدم تغییر اقامتگاه شرکت‌های تحریم شده و شرکت‌های فرعی آن و تعهدهای شکلی شامل اعلام تغییر احتمالی مدیران و ارسال صورت‌جلسات هیئت‌مدیره و گزارش‌های مالی حسابرسی به اوفک و پر کردن اظهارنامه تبعیت از تمام شروط خروج از تحریم به شکل ماهانه است. این الزام‌های حقوقی، علاوه بر روشن کردن رفتار و استانداردهای مدنظر اوفک در خارج کردن شرکت‌های مشمول تحریم از فهرست تحریم‌ها، معیارهای انقطاع رابطه مالکیت و کنترل مستقیم و غیرمستقیم از نگاه وزارت خزانه‌داری و اداره اوفک آمریکا را مشخص می‌کند.

شناسایی و تحلیل چگونگی اعمال تحریم از نظر حقوقی و پس از آن، چگونگی خروج از تحریم برای شرکت‌های ایرانی فعال در عرصه تجارت بین‌المللی که همواره خطر تحریم‌های ایالات متحده را احساس می‌کنند نیز می‌تواند مؤثر و ارزشمند تلقی شود، زیرا به باور ما می‌توان با رعایت نکاتی در نحوه شرکت داری، خطر اعمال تحریم‌های آمریکا را کاهش داد. علاوه بر این، در صورت قرار گرفتن در فهرست تحریمی نیز با توجه به رویه اوفک نسبت به شرکت‌های روسی می‌توان با ایجاد تغییرهایی از تحریم خارج شد؛ اما به نظر می‌رسد که الزام‌های معین‌شده توسط اوفک برای خروج از فهرست تحریمی به مراتب

شدیدتر و حساس‌تر از معیارهای اعمال تحریم است. لذا، اولین توصیه این خواهد بود که فعالان ایرانی تلاش خود را نسبت به اصلاح حکمرانی شرکتی خود همگام با معیارهای تحریمی اوفک و پیش از وقوع تحریم به کار بندند.

مسئله بعدی که باید مورد توجه قرار بگیرد نحوه و میزان مالکیت سهام در شرکت‌ها است. توضیح آن‌که تملک اکثریت یا حتی ۵۰ درصد سهم یک شرکت توسط اشخاص حقیقی و حقوقی که در خصوص آن‌ها خطر تحریم شدن توسط آمریکا وجود دارد و یا تحریم شده‌اند توصیه نمی‌شود، زیرا در صورت قرار گرفتن سهامدار در فهرست تحریمی، شرکت نیز به راحتی با استفاده از معیار مالکیت مستقیم تحریم خواهد شد. نکته مهم بعدی این است که نمی‌توان آن‌چنان به ایجاد زنجیره شرکتی یا به عبارت بهتر، تأسیس شرکت‌های فرعی متعدد برای پنهان کردن سهامداران اصلی شرکت نیز امیدوار بود، زیرا نظام تحریمی آمریکا با بهره بردن از مفاهیمی مثل مالکیت غیرمستقیم در صورت شناسایی زنجیره‌ای از شرکت‌ها که یکی از سهامداران عمده آن مشمول تحریم باشد، اقدام به تحریم هر شرکتی که ۵۰ درصد سهام آن در تملک سهامدار موصوف باشد، خواهد کرد. لذا به نظر می‌رسد که مطمئن‌ترین راه برای کاهش خطر تحریم، اعمال دقت بیشتر در تعیین ترکیب سهامداری است.

در خصوص معیار کنترل، نکته مهم بعدی تعیین مدیرانی است که رابطه کاری، حرفه‌ای یا خانوادگی با سهامداران شرکت نداشته باشند. انتخاب مدیرانی که سابقه شراکت با افراد تحریم‌شده داشته‌اند و یا منصوب آن‌ها در سایر شرکت‌ها و نهادها بوده‌اند حتی در صورت رعایت معیار مالکیت، اوفک را به سوی اعمال تحریم با احراز معیار کنترل پیش می‌برد و صرف وجود همین ارتباط برای اعمال تحریم توسط اوفک کفایت می‌کند. لذا از منظر مطالعات تحریمی مطلوب این است که هیچ‌گونه ارتباط خاص میان مدیران شرکت و سهامداران تحریم‌شده یا در خطر تحریم وجود نداشته و یا قابل رهگیری نباشد. علاوه بر این، چنانچه به موجب اسنادی مثل اساسنامه یا موافقت‌نامه‌های سهامداران اختیارات خاصی از قبیل حق انتخاب چند عضو هیئت‌مدیره، حق و تو نسبت به قراردادهای، اخراج مدیرعامل و یا حق فروش اموال شرکت به سهامداران تحریم شده یا در خطر تحریم اعطا شود، کنترل این اشخاص بر شرکت محرز و مسلم تلقی شده و تحریم اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

## منابع

### الف. فارسی

- جنیدی، لعیا؛ زارع، ملیحه (۱۳۹۴) «اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران؛ تحلیل مسئولیت مدیران شرکت‌های سرمایه در قبال دیون پرداخت‌نشده شرکت»، **مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۶، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۵.
- رضوی، سیدمحمدحسن؛ سالاری، محمدرضا (۱۳۹۸) «خرق حجاب شرکتی در قوانین و رویه اتحادیه اروپایی در خصوص تحریم شرکت‌های زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران»، **مطالعات حقوق انرژی**، دوره ۵، شماره ۱، صص ۴۳-۶۰.
- رضوی، سیدمحمدحسن؛ سالاری، محمدرضا (۱۳۹۹) «کاهش خطر تحریم شرکت‌های زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران؛ واکاوی راهکارها با تمرکز بر قوانین تحریمی اتحادیه اروپا»، **مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز**، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۴۶.
- روحانی، سید علی؛ نمازی، احسان (۱۳۹۶) «تحریم‌های غرب علیه روسیه»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال ۹، شماره ۱، صص ۶۹-۱۰۷.
- عسگریان، عباس؛ وکیلی، فرهاد (۱۳۹۳) «رژیم چندجانبه تحریم: واکاوی سازوکار تحریم‌های اعمالی علیه روسیه»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۸۶، صص ۱۱۱-۱۳۴.
- علوی، سید یحیی؛ امیری، داریوش (۱۳۹۵) «نقش کنگره و وزارت خزانه‌داری آمریکا در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۰-۲۰۱۴)»، **فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی**، سال ۱۰، شماره ۳۴، صص ۷۱-۹۴.
- علوی، سید یحیی (۱۳۹۳) «واکاوی ساختار تحریم‌های بانکی آمریکا و الزامات رفع آن در مذاکرات جامع هسته‌ای»، **فصلنامه علمی- پژوهشی آفاق امنیت**، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۱۷۷-۲۱۲.

## ب. انگلیسی

- Bandsuch, Mark, Larry Pate & Jeff Thies (2008) "Rebuilding Stakeholder Trust in Business: An Examination of Principle- Centered Leadership and Organizational Transparency in Corporate Governance", **Business and Society Review**, Vol. 113, No. 1, pp. 99-127.
- Gordon, Jeffrey N. (2007) "The Rise of Independent Directors in the United States, 1950-2005: of Shareholder Value and Stock Market Prices", **Stanford Law Review**, Vol. 59, No.74, pp. 1465-1568.
- Rauterberg, Gabriel (2020) "The Separation of Voting and Control: The Role of Contract in Corporate Governance", Published in **The Social Science Research Network (SSRN)**, pp. 1-54, (Last visited: June 27, 2021), Available at:  
[https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=3637204](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3637204)
- Razavi, Seyed M.H & Fateme Zeynadini (2020) "Economic Sanctions and Protection of Fundamental Human Rights: A Review of the ICJ's Ruling on Alleged Violations of the Iran-U.S. Treaty of Amity", **Washington International Law Journal**, Vol. 29, No. 2, pp. 303-340.

## - اسناد و قوانین

- Code of Federal Regulations, 31 CFR § 501.807 - Procedures governing delisting from the Specially Designated Nationals and Blocked Persons List, Available at: <https://www.law.cornell.edu/cfr/text/31/501.807>
- Department of Treasury (2018) "20181219 Notification Removal", **Office of Foreign Assets Control**, pp. 1-9
- Department of Treasury (2014) "Frequently Asked Questions, No. 399", **Office of Foreign Assets Control**, Available at:  
<https://home.treasury.gov/policy-issues/financial-sanctions/faqs/topic/1521>
- Department of Treasury (2014) "Frequently Asked Questions, No. 401", **Office of Foreign Assets Control**, Available at:  
<https://home.treasury.gov/policy-issues/financial-sanctions/faqs/topic/1521>
- Department of Treasury (2014) "Revised Guidance on Entities Owned by Persons Whose Property and Interest in Property Are Blocked", **Office of Foreign Assets Control**, Available at:  
[https://home.treasury.gov/system/files/126/licensing\\_guidance.pdf](https://home.treasury.gov/system/files/126/licensing_guidance.pdf)
- Economist Intelligence Unit (2005) "Corporate Governance: The New Strategic Imperative", **The Economist**, Available at:  
[http://graphics.eiu.com/files/ad\\_pdfs/KPMG\\_final.pdf](http://graphics.eiu.com/files/ad_pdfs/KPMG_final.pdf)
- NYSE (2009) "New York Stock Exchange Listed Company Manual", **New York Stock Exchange**

- OECD (2015) "G20/OECD Principles of Corporate Governance", **OECD Publishing**, Paris, pp. 1-60, Available at: <https://www.oecd-ilibrary.org/docserver/9789264236882-en.pdf?expires=1636457964&id=id&accname=guest&checksum=2D166254B4DCFE284CE0B440903B5450>
- The NASDAQ (2020) "The NASDAQ Stock Market Rules", **National Association of Securities Dealers Automated Quotations (NASDAQ)**

- سایت‌ها

- En+ GROUP (2019) "En+ Group Announces its Removal from OFAC's SDN List", (Last Visited: May 11, 2021), Available at: <https://enplusgroup.com/en/media/news/press/en-group-announces-its-removal-from-ofac-s-sdn-list/>
- Sayre, Anna (2020) "Three Designations and a Removal: Recent Major Companies Targeted by OFAC and Their Implications", (Last Visited: May 11, 2021), Available at: <https://sanctionsassociation.org/three-designations-and-a-removal-recent-major-companies-targeted-by-ofac-and-their-implications/>
- Reuters (2020) "En+ raises stake in Rusal to 57% after Glencore asset swap", (Last Visited: May 11, 2021), Available at: <https://www.reuters.com/article/us-en-glencore-swap-idUSKBN1ZX21R>
- US Department of the Treasury (2020) "Frequently Asked Questions", (Last Visited: May 10, 2021), Available at: <https://home.treasury.gov/policy-issues/financial-sanctions/faqs/topic/1521>
- Sun, Mengqi (2021) "Russian Tycoon Oleg Deripaska Loses Suit to Lift U.S. Sanctions", (Last Visited: June 19, 2021), Available at: <https://www-wsj-com.cdn.ampproject.org/c/s/www.wsj.com/amp/articles/russian-tycoon-oleg-deripaska-loses-suit-to-lift-u-s-sanctions-11623795556>

